

نقش دین و مذهب در تاریخ از منوچهر تقوی بیات

پیشوایان دین های گوناگون؛ خداپرستان زرتشتی، یهودی ها، عیسوی ها، مسلمان ها و پیشوایان دیگر دین ها؛ تاریخ جهان و تاریخ فرهنگ جهان را به سود خدایان خودشان یعنی به سود قدرت خودشان تحریف کرده و تغییر داده اند. آن ها صد ها سال کوشیدند تا از گسترش دانش و پخش دقیق و درست واقعیت های تاریخی جلوگیری کنند و با قدرت فوق بشری خود و به زور خدا و آتش جهنم زمین را از گشتن به دور خورشید باز دارند. آن ها در درازای تاریخ میلیون ها انسان آزاده و بی گناه را در آتش سوزاندند و یا به شیوه های گوناگون کشتند. مسیحی ها و مسلمان ها در راه خدا جنگ های صلیبی به راه انداختند. کاتولیک ها و پروتستان ها؛ در کشتار سن بارتلمی هزاران نفر را کشتند. سنی ها و شیعه ها و هفتاد و دو فرقه ی گوناگون به جان هم افتادند و خون یکدیگر را ریختند و هنوز هم به وحشی گری خود ادامه می دهند. رهبران و پیروان همه ی دین ها تلاش کردند تا انسان را از اراده ی خودش و خدا بودن خودش تهی کنند و او را بنده وار مورد سوء استفاده قرار دهند.

در سال ۳۱۳ میلادی شاید بین ۲۸۰ یا ۲۸۳ سال پس از به صلیب کشیده شدن عیسای ناصری، آئین مسیحیت در امپراتوری روم آزاد شد و کم کم در اروپا و در جهان قدرت را قبضه کرد. دائره المعارف بریتانیکا درباره ی عیسا می نویسد: « این که عیسا یک شخصیت تاریخی بوده تأیید شده است همچنین قابل توجه است که تعیین تاریخ دقیق شمسی آن ممکن نیست...». بدون گسترش آئین مهر (میترا) در امپراتوری روم دین عیسا بخت جهانی شدن را نداشت. همه گیر شدن آئین مهر ایرانی که آئینی مردم پسند بود و سربازان به آن روی آورده بودند، در روم و سرزمین های زیر فرمان امپراتوری روم نگرانی کنستانتین یکم را برانگیخت تا جایی که او ناچار شد آئین عیسا را، برای پس راندن آئین مهر، دین رسمی امپراتوری روم اعلام کند. به ویژه این که آئین مهر ایرانی در میان سربازان رومی طرفداران بسیاری داشت. گستردگی و شمار فراوان معبد های میترا که تا آغاز سده چهارم میلادی سراسر اروپا حتا لندن و شمال انگلستان را فرا گرفته بود، نشان می دهد که چرا کنستانتین یکم، به دلایل سیاسی دین عیسا را پذیرفت. رومی ها و پس از آن ها کشیش ها عیسوی، پیروان آئین میترا را در هر کجا

دستگیر کرده و می سوزانند.

تا پیش از فرمان میلان در سال ۳۱۳ میلادی بسیاری از پاپ‌ها به سرنوشت عیسا دچار و از سوی امپراتورهای رومی کشته شدند. با پیوستن کلیسا به قدرت حاکمه، روز به روز به قدرت پاپ و کشیش‌های عیسوی افزوده شد. آن‌ها هیچ یک ادعای پیامبری نکردند اما نزدیک به پانصد سال پس از فرمان میلان، پاپ لئون سوم با لقب شارلمانی خود را امپراتور مقدس روم نامید. این امپراتوری در اوت ۱۸۰۶ با نام امپراتوری مقدس روم ملت آلمان از بین رفت. پاپ‌های امپراتوری مقدس در فاصله سده‌ی یازدهم تا سیزدهم نه جنگ صلیبی به راه انداختند. میلیون‌ها انسان در این جنگ‌ها کشته شدند. گرسنگی و بیماری‌های گوناگون مانند جذام مردم عادی را هم به کام مرگ می کشید. هم مسیحی‌ها و هم مسلمان‌ها بر این باور بودند که پس از کشته شدن در این جنگ‌ها یک راست به بهشت خواهند رفت. یهودی‌ها عیسا را به کشتن دادند تا دین خودشان رونق بگیرد، اما دین عیسا رقیب سرسختی برای دین آن‌ها و پیروان آئین میترا شد. پاپ و کشیش‌های زیر فرمانش نه تنها پیروان آئین مهر بلکه بسیاری از کتاب‌های علمی و دانشمندانی مانند جوردانو برونو را در آتش سوزانند.

گالیلئو گالیله را به جرم این که دانش اخترشناسی او مخالف با نص صریح انجیل بود به دادگاه تفتیش عقاید کشانند. گناه او این بود که گفته بود؛ زمین به دور خورشید می‌گردد. گالیله محکوم شد به این که یا اعتراف و امضا کند که از سر مستی چنین حرفی زده است یا در آتش سوزانده شود. البته سیصد و پنجاه سال پس از مرگ گالیله، پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۹۲ گالیله را بخشید، اما پاپ که می‌دانست زمین به دور خورشید می‌چرخد هرگز نگفت که گالیله دروغ نگفته بود. او هرگز اعتراف نکرد که داوری کلیسا و دادگاه و ستمی که به گالیله رفته بود، نادرست و ناروا بوده است.

در ایران باور داشتن به دین و خدای یکتا با پیدایش دین زردشت آغاز شد. ناباوری به خدای یکتا بهانه‌ای شد برای کشتن مردمان آزاده در ایران. ایزدگان یا ایزدان ایرانی جای خود را به ایزد(یَزْتَه) یکتا دادند و سپس ایزد به یزدان و خدای یکتا و اله؛ معنا شد. خدایکنامه یا شاهنامه را سرگذشت و تاریخ شاهان معنا کرده‌اند. ایرانیان پیش از زردشت، خدایان گوناگونی داشتند که هر کدام سرچشمه‌ی کار سودمندی در هستی بودند؛ مانند خورشید، ماه، باد (وات، ویو، وایو، وای)، ناهید و ...

اردبیلی یعنی شاه اسماعیل صفوی که بنا به گفته ی احمد کسروی و عبدالحسین زرین کوب، پدراننش همگی سنی بودند پیش از آن که به سن بلوغ برسد به دلایل سیاسی شیعه می شود و مذهب ایرانیان را به ضرب و زور شمشیرشیعه می کند تا بتواند جنگ های ایران و عثمانی را راه بیندازد و مسلمانان سنی را از دم تیغ بگذراند. او پس از تاجگذاری در تبریز تنها در یک روز سر هزاران نفر را که حاضر نشدند عبارت «اشهد أن علیاً علیاً» را به اذان اضافه کنند از تن جدا کرد.

تا پیش از آمدن فقیهان شیعه از لبنان به ایران در دوران صفوی ها، کشتن رافضی ها (شیعه ها)، زندیق ها و کافر ها به فتوای پیشوایان دینی نیاز داشت که این کار با در نظر گرفتن شرائط اجتماعی و رقابت بین پیشوایان دینی به سادگی نمی توانست انجام گیرد. با آمدن پیشوایان مذهبی وارداتی از لبنان این پیشوایان برای نزدیکی به دستگاه حاکمه در فتوا دادن و کشتن مخالفان حکومت و کافر ها بر یکدیگر پیشی می گرفتند و به این ترتیب کشتن شاهزاده های میهن دوست صفوی و اندیشمندان ایرانی به سادگی و هر روز در ایران انجام می گرفت.

ایجاد حکومت شیعه ی صفوی در ایران زمینه ساز جنگ های مذهبی میان ایران شیعه و حکومت عثمانی سنی مذهب شد که دو کشور اسلامی بودند. دربار عثمانی ها، مردمان نادان و یا کسان دیگری، شیعیان را در جنوب لبنان آزار می دادند و با آن ها بدرفتاری می کردند. این کار بهانه ای شد برای انتقال "علمای شیعه" ی جبل عامل و جنوب لبنان به ایران در سده های شانزدهم و هفدهم میلادی. این جنگ ها تا نیمه ی نخست سده ی نوزده میلادی ادامه یافت.

انتقال "شیعیان عاملی" که می توان آن ها را عوامل ایدئولوژیکی شیعه ی انگلیسی (یا به گفته ی دکتر علی شریعتی؛ "تشیع مصلحت") به شمار آورد، درگیری ها و جنگ های امت شیعه ی ایران اسلامی با حکومت عثمانی را پدید آورد. این کار سد امنیتی و حفاظتی دراز مدت برای جلوگیری از حمله ی ترک های مسلمان به مستعمره ی انگلیس ها در هندوستان را بوجود آورد. برادران شرلی؛ سِر آنتونی شرلی و سِر رابرت شرلی با ایجاد توپخانه و تجهیزات پیشرفته برای سپاه شاه عباس در این جنگ ها کمک های مؤثری به سپاهیان "اسلام" کردند. رابرت شرلی بپاس این خدمات در ایران و در جنگ با عثمانی ها، هنگام سفارت از طرف شاه عباس در اروپا، از سوی امپراتوری مقدس روم مفتخر به دریافت عنوان کنت (counte) و همچنین لقب سِر (Sir) شد. درگیری ها و جنگ های دراز و کش دار ایران و عثمانی در دوران

صفوی ها، مستعمره ی بزرگ هندوستان را از تهاجم عثمانی ها دور نگه داشت.

عادت دادن ایرانیان در درازای پانصد سال به اطاعت از مجتهدین و آخوندهای شیعه زمینه ساز حکومت خمینی در قرن بیست و یکم میلادی در ایران شد و کشور ما را صدها سال به قهقرا بازگردایند.

با برنامه ریزی رهبران کنفرانس گوادلوپ (آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی) و به قدرت رسیدن خمینی در پهنه ی سیاسی ایران بار دیگر شیعه گری در ایران بالا گرفت و با وارد کردن شیعه های وارداتی از کشورهای گوناگون عربی و غیر عربی کشتن ایرانیان میهن دوست به بهانه ی کمونیست بودن، خارج از دین بودن، زانی بود، لائیک بودن و بر سر موضع بودن، در دستورکار قرار گرفت. هزاران جوان دلیر و میهن دوست ایرانی را به دستور خمینی در خیابان ها به گلوله بستند و یا در زندان ها و در جبهه ها به بهانه ی جنگ کشتند. قتل های زنجیره ای نیز در درازای این هرج و مرج های اسلامی همیشه ادامه داشته است. جمهوری اسلامی با هدف از بین بردن ایران و ایرانی به وجود آمده است. خمینی بارها گفته و در صحیفه ی نور نیز نوشته شده است: «**هدف ملت ایران، حاکمیت اسلام**» است. او با واژه های موهومی به نام اسلام و امت اسلام، ملت ایران و اقتصاد ایران را به نابودی کشاند. او با ملت ایران و هر چه که ملی است دشمنی ورزیده و بارها در صحیفه ی نور تکرار شده است: «... ما برای اسلام قیام کردیم (۵۲۵) اگر این نهضت ملی بود نه شما اینقدر فعالیت می کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام را می خواهد، [کدام اسلام؟!...] ملت کشور خودش را هم می خواهد برای اسلام است (۵۲۶) ... هیچ من نمی توانم تصور کنم و هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند ما خونهایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود! ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود. هیچ عاقلی جوانش را نمی دهد که خان را ارزان گیرش بیاید. مردم همه چیزشان را برای جوانهایشان می خواهند؛ برای خانمانشان می خواهند. این منطق، یک منطق باطلی است، که شاید کسانی انداخته باشند، مغرضها انداخته باشند توی دهن مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلاً کشاورزیمان چه بشود (۵۲۸)» خمینی به بهانه ی اسلام و امت پرستی جوانان کشور ما را به کشتن داد و ایران را به باد غارت و ویرانی سپرد و این غارت و کشتار همچنان به دست خامنه ای و دشمنان ایران ادامه دارد.

منوچهر تقوی بیات

استکهلم – هشتم شهریور ۱۳۹۷ شمسی برابر با ۳۰ اوت ۲۰۱۸ میلادی